

ادبیات

انتقالات

در شیعه

جلد دوم

دکتر صادق آینه‌وند

ویراست جدید

فهرست مطالب

۷	خطبه
۹	مقدمه
۱۷	زندگی نامه خوارزمی
۱۹	زندگی خوارزمی
۲۰	شخصیت علمی و ادبی خوارزمی
۲۲	وفات او
۲۲	آثار خوارزمی
۲۳	اندیشه و نگرش خوارزمی از خلال نگارش او
۲۹	منابع
۳۱	متن نامه خوارزمی
۵۱	ترجمه نامه خوارزمی
۵۳	مقدمه
۵۴	بیان ستم‌هایی که نسبت به آل محمد علیهم‌السلام رفته است
۵۵	عصر عثمان
۵۶	عصر بنی امیه

۵۶	 جنایات یزید
۵۷	 عصر ابن زبیر
۵۸	 عصر آل مروان و جنایات حجاج
۵۹	 عصر عباسیان
۶۱	 سیری دوباره در کردار عباسیان
۶۱	 مبارزه با اعتقادات شیعه
۶۲	 بیان استوار گامی شیعه
۶۸	 معایب بنی امیه

۷۱	 شرح تاریخی نامه خوارزمی
۷۳	 شرح و تعلیقات بر نامه خوارزمی

۱۶۹	 فهرست اعلام
-----	-------------------

مقدمه

به فاصله دو سال پس از نشر جلد نخستین ادبیات انقلاب در شیعه اینک با استمداد از الطاف بی چون خداوندی و در طلیعه عصری سراسر حرکت و رحمت و عزت و شرف و شهادت که به یمن انقلاب اسلامی ایران، نصیب ملت بزرگوار و مؤمن و لایق آن شده است، جلد دوم ادبیات انقلاب در شیعه، تقدیم جامعه اسلامی می گردد. استقبال مردم از چنین کاری - به رغم نقص و لغزش های آن - مؤلف را بر آن داشت تا به تهیه و تنظیم مجلدات بعدی کتاب دست زند.

گرچه در مقدمه جلد اول کتاب، خوانندگان محترم تا حدودی به هدف و شیوه و سبک کار مؤلف در این کار آشنا شدند، ولی اجازه می خواهد در این جلد نیز سخنانی در این باب گفته شود تا مبدأ و مقصد، بهتر روشن شود.

در تاریخ اسلام، شیعه به دو صفت ممتاز و به دو عاطفه مشهور است. همین چهار، به اضافه آن همه تلاش در راه دین خدا و استقرار حق و دفاع از ائمه دین علیهم السلام او را به سلامت از گذرگاه حوادث و وقایع به پایگاه امن

اعتقادی و جایگاه سالم تاریخی‌اش رهنمون شده است. آن دو صفت که پیوسته شیعه را در طوفان‌های حوادث تلغزاند و از پای نیفکنده است، عصیان است و اطاعت و آن دو عاطفه که شیعه را در موضع‌گیری اعتقادی سیاسی، نیکوترین مددکار بوده است، تَوَلّی است و تَبَرّی. عصیان شیعه همواره متوجه ائمه کفر و جور و غاصبان و ناصالحان است. شیعه هیچگاه جز بر اساس تعلیمات کلی اسلام که از طریق پیامبر گرامی ﷺ و ائمه طاهرين (ع) به او تعلیم شده است، گام نهاده و ره نسپرده است. طبیعی است که بر اساس چنین رهنمودی، هیچگاه در برابر قدرت زورگویان ناصالح تمکین نکند. در زیارت عاشورا، شیعه تنها حکام غاصب را لعن نمی‌کند، بلکه «مُتَمَهِّدین» یعنی زمینه‌چینان و مباشرانی را که واسطه تمکین مردم در برابر کارهای حکام می‌شوند، از نفرین دور نمی‌دارد:

«لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ»

نفرین خدا بر آنانی باد که زمینه‌چینان تمکین مردم در برابر فاجعه شهادت شما شدند!

باز می‌بینیم در همان زیارت در خطاب به پیشوای حق و صدق و هدایت امام حسین (ع) آمده است:

«لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَتَقَبَّحُ لِقِتَالِكَ»

خدای لعنت کناد امتی را که بر اسبان زین نهادند و لگام زدند و برای جنگ با تو در نقاب فرو بردند!

این بینش عمیق شیعه است که پیوسته جهش‌ها را در تاریخ حیات سربلندش پی می‌آورد و به او مِی‌نشی خاص به خود می‌دهد. در بینش عمیق شیعه باطل با تمام ابعاد به صورت جریانی کامل و شامل مورد مذاقه و بررسی قرار می‌گیرد و شیعه در برابر آن و چهره‌های گوناگونش عاصی و نافرمان است.

اطاعت در شیعه خاص خدا و پیامبر و ائمه و اولیاء است. شیعه این را در گذشت زمان نیک فرا گرفته و ارزش آن را شناخته و بدان قیام کرده است. یاران بزرگوار امام حسین علیه السلام در کربلا در لحظات شهادت، از امام می‌خواستند تا رضایت خود را از آنان اعلام دارد تا آنان با طیب خاطر همراه رضایت امامشان به سرای جاودانی بشتابند.

همین اطاعت که عَمَّار یاسر ۹۴ ساله را در صِفِّین برای دفاع از حق و در رکاب امام حق به میدان می‌کشد و این پیر عقیده‌مند در راه دین صدمه‌دیده و به خاطر مکتب آزارچشیده را که قهرمان دو عصر تنزیل و تأویل (عصر نبوت و امامت) است، بر آن می‌دارد تا در راه عقیده و در اطاعت امام، حیات خود را فدای رضایت او که رضایت خداست، بنماید.

اطاعت از ولایت است که انسانی بزرگ چون حُجْر بن عَدِی کُندی را وامی‌دارد تا به سال ۵۱ هجری در مَرَج عَذْرَاء، به هنگام شهادت چنین سخن گوید: «جان فدای تو ای مولای ما امیرالمؤمنین علیه السلام به خاطر رضایت تو و به جهت پای فشردن بر ولایت توست که با ما چنین می‌کنند.»

همین اطاعت و کسب رضایت امام است که چهار هزار مؤمن فداکار شیعه را به سال ۶۵ هجری از کوفه به نُخَيْلَه و از آنجا به عَینُ الْوَرْدَه می‌آورد و در برابر لشکر شام قرار می‌دهد یعنی - توأبین - گروهی که تنها به خاطر فروشتن غبار گناه تنها رها کردن امام حسین علیه السلام در کربلا، و به عنوان توبه‌گران با شعار «یا لَلثَّارَاتِ الْحُسَینِ!» در خط سرخ شهادت گام می‌نهند و در شط خون شهادت شنا می‌کردند، تا امامت را پاس دارند و عدالت را بر پای نگه دارند و انسانیت را برکشند و درفش حق‌خواهی و حق‌جویی را برافرازند.

اما آن دو عاطفه که قوام حیات عاشقانه شیعه است، یعنی تَوَلّی و تَبَرّی ممیز و شاخص خط و ربط او در تاریخ نیز هست.

در کلامی از معصوم در پاسخ کسی از دین آمده است: که مگر دین جز دوست داشتن و دشمن داشتن، چیز دیگری هست. شاخصه‌ها و موازین این دو در شیعه اولیای دین هستند. دوستی و دشمنی ما بر اساس دوست داشتن و دشمن داشتن آن‌هاست که آن‌ها راهنمایان و سمت‌نمایان هدایت‌اند. در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَكُمْ وَ حَزَبُ لِمَنْ حَازَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». ای حسین علیه السلام و ای اهل بیت پیامبر علیهم السلام! من با هر که با شما سر آشتی دارد، سر آشتی دارم و با هر که با شما سر جنگ دارد تا قیامت در ستیزم و با او دشمنی دارم!

بر اساس این تعلیمات جامع و روشن، شیعه چون ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام را بر گردن گرفت، همه ولایت‌ها و اطاعت‌ها را نفی کرد. این نفی و اثبات جریانی است هم برونی و هم درونی. شیعه متعهد هر دو بخش را به نیکی باید انجام دهد. جریان درونی برای کسب آمادگی برونی، همان عواطف‌اند، دوست داشتن و دشمن داشتن یعنی اثبات ولایت اولیای دین و نفی هر ولایتی که معارض با ولایت آن‌هاست. از اینجاست که شیعه زیباترین و ارزشمندترین نوشته‌ها و سروده‌ها را در عالم ادب در رثا و مدح و هجا و حماسه بر جای نهاده است. این امر را محققان ادب و تاریخ عرب - و حتی کسی چون احمد امین مصری که با شیعه به انصاف نرفته است - تصدیق کرده‌اند.^۱

*

با عنایت به موارد فوق همان‌گونه که در مقدمه جلد نخستین ادبیات انقلاب در شیعه بیان شد، ادبیات شیعه سخنگوی مکتب و زبان بلند پیام‌داران آن مکتب یعنی ائمه طاهرين علیهم السلام و پیروان صدیق ایشان است. اکنون به‌جاست

۱. رک: صَحْحِي لِإِسْلَام، احمد امین (مصر، مکتبة النهضة العربية) ج ۳، ص ۳۰۰ - ۳۰۳ و الملائع النبوية، زکی مبارک (مصر، دارالكتاب العربی، ۱۳۵۴) ص ۶۱ به بعد.

اگر این ادب در این عصر فرخنده تقدیم جامعه اسلامی شود. در این عصری که همه امیدها پس از اتکال به خدای تعالی و امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به اوست، یعنی سرخیل مستضعفان تاریخ و پناه شیعه در این زمان، ولی فقیه و نایب امام عصر علیه السلام رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی - روحی فدا - آری امید به اوست که سرفصل تاریخی شیعه را گشود و خط شیعه را بر اساس عصیان علیه استکبار و طاغوت ترسیم کرد و خط اطاعت را به مردم شناساند.

به شیعه آموخت که: که را دوست بدارد و که را دشمن. و بدین سان تولی و تبرای تاریخی شیعه را بر اساس مکتب اهل بیت علیهم السلام فرا یادمان داد و هم پیاموختمان که دوستی مان برای که و چه باشد و دشمنی مان علیه که و چه. او که با تز «پیروزی خون بر شمشیر» خیزشی در این نسل خفته پدید آورد و معادلات نظامی - سیاسی جهان استکبار را در هم ریخت. من ادب انقلاب را به نسلی که امروز نسل ۱۵ خرداد نام گرفته است، و شکوهمندترین انقلاب های الهی تاریخ را در جهان به وجود آورده است و بی محابا بر استکبار دغل تاریخ هجوم برده است، و دوباره صحنه های بدر و أخذ و خندق و صفین و جمل و طف و فغ را با آفریدن ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور و فتح خرمشهر در ذهن تاریخ تداعی کرده است، تقدیم می دارم. روی ادب انقلاب با این هاست و این ها خود ادب انقلاب اند.

ادب انقلاب، ادب امامت است و امت و بیان حماسه های امتی است که در تاریخش روزهای خدا دارد. از ادب انقلاب بوی کوی حسین علیه السلام به مشام می رسد و خلق و خوی حسین علیه السلام در عروق جان می دود.



در این جلد به تصحیح و ترجمه و شرح نامه ابوبکر خوارزمی به شیعیان نیشابور پرداخته شده است. این نامه به گفته مورخین معاصر از اعتبار

تاریخی خاصی برخوردار است.^۱ و در واقع باید گفت که خود رنج‌نامه‌ای است که خوارزمی به شیعیان رنج‌دیده و اندوه‌رسیده نیشابور، می‌نویسد. او در این نامه بر آن است تا مشکلات قرن چهارم شیعیان نیشابور را به تاریخ سراسر مبارزه و حرکت و مقاومت شیعه در راه حفظ مکتب و اعتلای کلمه حق و اطاعت از اولوالامر، مرتبط سازد. او می‌خواهد آن‌ها را با تاریخی آشنا سازد که جز در صحنه ماندن، و در میدان حوادث پای کوبیدن، و بر سر حفظ عقیده بر جای ایستادن، و در رکاب امام حق علیه ائمه کفر و جور و وجوه گوناگون آن شمشیر زدن، چیزی را نمی‌شناسد. این تاریخ سرفراز و عزتمند، گذشته‌اش بِن استوار حال، و حالش تنه تنومند گذشته است، میوه آینده‌اش هم برگزیده پای می‌فتشارد و هم در حال چنگ آویخته است.

روش کار

آنچه در این نامه محل اعتناست، اشارات تاریخی و ادبی آن است و شامل حوادثی است که به ترتیب پس از پیامبر گرامی ﷺ رخ داده و در دو عصر بنی‌امیه و بنی‌عباس به اوج خود رسیده است. خوارزمی تمامی این حوادث را با قلمی ادیبانه و متعهدانه به رشته تحریر کشیده است.

بیان اجمالی هر واقعه در تاریخ دو قرن اول اسلام، در اشارات ادیبانه خوارزمی، آن هم برای شیعیان قرن چهارم هجری که با زبان وقایع از مردم عصر ما آشناتر و به مدارک و اسناد، آگاه‌تر بوده‌اند، کمی ابهام

۱. احمد غلبی در کتاب *توضیح الزنج* جملاتی از این نامه را نقل کرده و بر اهمیت تاریخی آن تصریح کرده است. احمد امین در کتاب *صحیح الاسلام*، ج ۳، بخشی از آن را آورده است. سعد محمد حسن در کتاب *المهدیه فی الاسلام* قسمت بیشتر نامه را نقل کرده است. نیز جعفر مرتضی محقق لبنانی در کتاب *ارزشمند حیات الامام الرضا* بخشی از آن را که مربوط به حکومت عباسیان است نقل کرده است.

داشت، سعی شد تا هر حادثه از شهادت، تبعید، کشتار، بر دار کشیدن و سوزانیدن را با توسل به اسناد و مدارک، روشن کند و هر یک را در بخش تعلیقات، جداگانه توضیح دهد.

عین نامه به لحاظ اعتبار ادبی و تاریخی نقل شد و با توجه به نسخه‌های مطبوع موجود (چاپ قسطنطنیه، چاپ بیروت) و مراجعه به منابع معتبر تاریخی تصحیح و شرح لغوی شد و اغلاط موجود در چاپ‌های مذکور نیز تصحیح گردید.

آیات کریمه و احادیث شریفه و اشعار متن برای تمیز از عین متن، با حروف مشخص جدا شد و پس از آن ترجمه‌ای از نامه آمد. اکنون این دفتر با اعتراف به لغزش و نقص در پیش روی فرزندگان و دانشوران متعهد است. همه امید نگارنده آن است که از کمک و راهنمایی دریغ نکنند و او را به اشتباهاتش آگاه گردانند.

الْكَمَالُ لِلَّهِ وَخَدَهُ

تهران - ۱۳۶۱/۴/۱۲

صادق آئینه‌وند